

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هفتاد و دوم تاریخ: ۸۷/۱۲/۱۸  
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و المرسلين سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقية الله في الارضين واللعن على اعدائهم اجمعين.  
بحث در این بود که اگر دشمنان با قتال و وضع نظامی به کشور و بیضه اسلام حمله کنند، [با ایها الذین امنوا قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم]؛ اینجا وظیفه در برابر حمله نظامی دفاع نظامی است و به همان ترتیب که عرض شد صورت می گیرد. اما استیلاء فرهنگی، اقتصادی، سیاسی که اینها بعداً به وجود آمده، در برابر اینها اسلام چه برنامه ای دارد؟

در اینجا باید توجه کنیم که اسلام همیشه سعی کرده با تنظیم برنامه هایی عزت مسلمانان را حفظ کند. جهاد «آخر الدواء الکی» می باشد. جهاد آخرین مرحله برخورد با دشمن است و الا اگر آن برنامه های لازم صورت بگیرد کمتر اتفاق می افتد که جهادی صورت بگیرد. ما بیامان در این مورد بود: راه هایی که اسلام غیر از جهاد قتالی برای جلوگیری از استیلاء در نظر گرفته است، چه سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی. یکی از این راه ها قاعده "نفی السبیل" بود که عرض شد. دوم اینکه قرآن خیلی تکرار و تشدید دارد به اینکه غرب گرای، یهود و نصاری گرای و دشمن گرای در میان مسلمانان نباشد. چون تولى کفار به هر شکلی که باشد باعث می شود که مسلمانان سنگرهای خود را از دست بدهند و یکی از سنگرها همین است که با دشمنان طوری برخورد کنند که آنها میدانی برای نفوذ پیدا نکنند. ولی اگر این تولى به وجود بیاید راه تسلط دشمن هموار می شود و دشمن از لحاظ سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی بر کشور تسلط پیدا می کند. کسانی که سنگر خود را از دست می دهند و سنگر را به دست دشمن می سپارند اینها باید تبری داشته باشند، براثت داشته باشند. اما اینها تبری و براثت را کنار گذاشته اند و آمدند تولى و گرایش به دشمن را پیش گرفتند. مسلم است راه نفوذ دشمن باز می شود و این استیلاء ها به وجود می آید. عرض کردیم که آیات در این زمینه زیاد است. اما مطلبی که دیروز عرض شد این بود که اگر قرآن با این شدت ما را از ارتباط با کفار نهی می کند خوب! دنیا دنیایی است که همه مسلمان نیستند و ما باید ارتباط داشته باشیم با دول کفر و کفار، از این جهت جواب این مطلب چیست؟ امروز بحث ما با توفیق پروردگار درباره همین موضوع است.

اسلام نمی گوید که شما با کفار ارتباطی نداشته باشید، اسلام نهی از تولى می کند. در سوره ممتحنه که سوره ۶۰ قرآن کریم است اول سوره این طور آغاز می شود: [يا ايها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوكم اولیاء]. گفتیم که شأن نزول هم این است که پیغمبر اکرم صلوات الله علیه قصد فتح مکه را داشتند که این فتح خیلی مهم بود و مکه پایگاه توحید بسیار مهمی بود و نباید در دست مشرکین باشد از این جهت این کار لازم بود که صورت بگیرد. اما پیغمبر صلوات الله علیه قصد داشتند که این پایگاه را بدون خونریزی و قتال تسلط کنند و به دست بیآورند از این جهت سفر به مکه و آماده کردن مردم برای فتح مکه را پنهان می داشتند. اما یک نفر می خواست که دشمنان را با نامه باخبر کند که پیغمبر صلوات الله علیه از طریق جبرئیل امین با خبر شدند. به همین دلیل پیغمبر صلوات الله علیه حضرت امیر رضی الله عنه را با جمعی فرستادند و نامه را از آن شخص گرفتند تا این مطلب مخفی بماند. اول سوره به این صورت آغاز می شود و می فرمایند: شما نامه می نویسید برای دشمن خدا و پیغمبر خودتان و شما این را در نظر بگیرید که آنها [أخرجوكم من دیارکم] این ظلم ها را درباره شما انجام دادند و شما این را باید بدانید که آنها با شما همراه نیستند و اگر به شما غلبه کنند، [ان یتفقوكم] خون شما را خواهند ریخت و بر شما تسلط پیدا خواهند کرد. اول این تذکرات است ولی بعداً به دلیل اینکه اسلام دین سلم است و دین اخوت است و اسلام می خواهد که مردم را به اسلام و اخوت و رحمت دعوت کند و در زیر پرچم اسلام همه در محیط اخوت و صفا زندگی کنند، منتهی بعضی در برابر اسلام عناد و لجاجت به خرج می دهند که اسلام با آنها به گونه دیگری برخورد می کند. اما نظر اولیه اسلام که دین سلم و صفا و محبت و مودت و اخوت است و می خواهد که بر اساس عدالت و صفا و مودت در میان مردم رفتار شود. به همین دلیل در همین سوره آیاتی در همین مورد آمده که این آیات [لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تروهو و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین] ما می گوئیم که دشمنان را دوست نداشته باشید، تابع آنها نباشید، آنها را ولی اتخاذ نکنید؛ ولی نمی گوئیم که با آنها رفتار و ارتباط نداشته باشید. در سوره ممتحنه خداوند متعال آیاتی درباره ارتباط با کفار دارد. در اول سوره هم [لا تتخذوا عدوی و عدوكم اولیاء] می باشد. آنها فکر نکنند اسلام می خواهد به همه به نظر عداوت نگاه کند، با همه با برخورد قتالی برخورد کند، نه این طور نیست. در اینجا از آیه هفتم شروع می شود [لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تروهو] خداوند نهی نمی کند به کسانی که

حزب الله هم الغالبون] در این آیه خیلی روشن می شود که تولى که قرآن نهي می کند این است که مسلمانان سلطه پذیر باشند، آنها را بر خودشان مسلط کنند.

قبل از انقلاب غرب گرایی افتخار بود و کسانی که توجه به غرب داشتند و خود باخته در برابر غرب بودند، عقیده شان این بود که ما باید مثل غربی ها باشیم، به آنها روشنفکر می گفتند و به مثل ماها مرتجع می گفتند. چند قرن در بین مسلمان ها این تفکر حاکم بود که ما عقب مانده هستیم و راه پیشرفت ما این است که زیر بار آنها قرار بگیریم و در هر کاری به آنها مراجعه کنیم. طبیب نداشتیم، باید برای معالجه به آنجا برویم. اسم هایمان را با اسمهای آنها اسم بگذاریم. شهرها را و کوچه ها را و افراد را. خلاصه طوری شیفته و فریفته غرب شده بودند که تنها راه پیشرفت را زیر بار غرب قرار گرفتن و سلطه پذیر بودن می دانستند و قرآن این را نهي می کند. طبیعت آنها زیاده خواهی است. آنها خوی استکباری دارند، می خواهند تمام کارها را قبضه کنند تا اذهان و فکرها را عوض کنند، اقتصاد را عوض کنند تا ما محتاج آنها باشیم، سیاست را عوض کنند تا تدبیر و اداره امور ما از طرف آنها باشد و ما تحت اداره آنها زندگی کنیم. این استیلاء سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بود اسلام ما را از این نهي می کند. اما از اینکه ارتباط داشته باشیم با دُولی که کاری با دین ما ندارند نهي نکرده است. اما الان غرب با دین ما کار دارند. آمریکا که معلوم است، آلمان، فرانسه، هلند، انگلستان با پر و بال دادن به صهیونیست ها و اسرائیل. اینها به جنگ اسلام آمده اند. هلند با آن کاریکاتوره های موهن. خلاصه کسانی که در راه دین با ما دشمنی دارند ما در برابرشان ساکت نیستیم. ولی کسانی که [لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من دیارکم] میقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من دیارکم آن تیره و تیره و تقسطوا السیما ان الله یحب المفسطین] احسان و نیکی کنید. [انما ینهکم الله عن الذین قاتلواکم فی الدین و اخرجواکم من دیارکم] بلکه کسانی که درباره دین شما با شما قتال انجام دادند و شما را از خانه هایتان خارج کردند، [و ظاهرها علی اخراجکم] و کمک کردند به اخراج شما از خانه هایتان «ینهکم ان تولوهم». ما از تولى نهي می کنیم. تولى را عرض کردیم که ما ولایت بعضی از آنها را بپذیریم که آنها ولی ما باشند، بر ما تسلط پیدا کنند به هر نحوی. شاهد بزرگ این مطلب را گفتیم که در سوره مائده است از آیه ۵۱ شروع می شود تا آیه ۵۵-۵۶. اول شروع می کند به این که یهود و نصاری را اولیاء خودتان اتخاذ نکنید [لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض] بعد می گوید [انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون] ولی شما خداست و پیغمبر خدا و حضرت علی علیه السلام که در حال رکوع صدقه دادند. [و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان

نسبت به دین شما با شما قتال ندارند، قتال به هر شکلی که باشد ما باید جواب دهیم. قتال به شکل برخورد نظامی یا به شکلی که الان غرب دارد مثلاً کاریکاتوره های موهن، ایجاد سلمان رشدی، خلاصه اگر آنها برخورد قتالی یا مغرضانه داشته باشند بله باید مقابله کرد. اما کسانی که [لم یقاتلواکم فی الدین] با دین شما کار ندارند که امام (رضوان الله علیه) فرمودند: اگر در برابر دین ما بایستند ما در برابر دنیای آنها می ایستیم، اما کسانی که [لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من دیارکم] چون در صدر اسلام اهل مکه مهاجرین را از خانه هایشان خارج کردند که پیامبر هم ناچار شدند که مکه را ترک کنند. آنها اخراج کردند پیغمبر و یاران پیغمبر را از مکه. مثل همان اشغالگران اسرائیل که مردم فلسطین را اخراج کردند. این سرزمین مال مردم فلسطین بوده آنها به خاطر اینکه دشمن یک پایگاهی در قلب کشورهای اسلامی داشته باشد، از این جهت بعد از جنگ جهانی اول، استکبار این کشور و دولت اسرائیل را ایجاد کرد و کم کم اسرائیل را در آنجا پر و بال و قدرت داد و عده زیادی از فلسطینی ها را [أخرجواهم من دیارهم] و هنوز آواره اند در لبنان و سوریه و کشورهای دیگر و آنهایی را هم که توانستند کشتند. در اینجا اسلام ساکت نیست. در مکه هم همین طور بود. در مکه آنها نکشتند. ولی عده ای را مثل سمیه و پدر عمار را با شکنجه کشتند. کسانی را که تازه اسلام آورده بودند یا می کشتند یا از مکه اخراج می کردند. اما [لا ینهکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من دیارکم ان تیرهواهم] تیره و تیره و نیکی و احسان است. علاوه بر اینکه با آنها برخورد و قتال نداشته باشید اصلاً [تیرهواهم] با آنها تیره و احسان کنید. [و تقسطوا الیهیم]. با آنها با عدالت رفتار کنید. [ان الله یحب المفسطین]. بعد از آن [انما ینهکم الله عن الذین قاتلواکم فی الدین و اخرجواکم من دیارکم] بلکه کسانی که درباره دین شما با شما قتال انجام دادند و شما را از خانه هایتان خارج کردند، [و ظاهرها علی اخراجکم] و کمک کردند به اخراج شما از خانه هایتان «ینهکم ان تولوهم». ما از تولى نهي می کنیم. تولى را عرض کردیم که ما ولایت بعضی از آنها را بپذیریم که آنها ولی ما باشند، بر ما تسلط پیدا کنند به هر نحوی. شاهد بزرگ این مطلب را گفتیم که در سوره مائده است از آیه ۵۱ شروع می شود تا آیه ۵۵-۵۶. اول شروع می کند به این که یهود و نصاری را اولیاء خودتان اتخاذ نکنید [لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض] بعد می گوید [انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون] ولی شما خداست و پیغمبر خدا و حضرت علی علیه السلام که در حال رکوع صدقه دادند. [و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان

ما درباره یهود قبلاً صحبت کرده بودیم که در قرآن آیات زیادی بر علیه یهود است که هیچ کتابی مانند قرآن پرونده یهود را افشا نکرده است [فیما نقضهم میثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسیة]، [فیما نقضهم میثاقهم و کفرهم بایات الله و قتلهم الانبیاء]، [و قولهم علی مریم هتانا

رود سراخ حضرت ابراهیم و کفار که ما کاری نداریم. آیات این سوره مربوط به مشرکین مکه بود که ابوسفیان در رأس آنها بود و مسلمانان قصد حمله و فتح مکه را داشتند. مسلمان ها از این جهت که در مکه خویشاوند داشتند ناراحت بودند. ولی آیه آمد که [لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء]. اگر آنها برگردند به طرف اسلام ما با آنها مخالف نیستیم. این است که این گونه فرمودند: [عسی الله ان يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة]. وقتی که خداوند [عسی الله] می فرماید، امید است که یک مطلبی در آینده محقق شود. بالاخره وقتی که پیغمبر 9 رفت و مکه را فتح کرد خیلی هایشان مسلمان شدند و دوباره مودت برقرار شد. [عسی الله ان يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة]. خداوند شما را امیدوار می کند به اینکه میان شما و مشرکین در مکه مودت برقرار شود. [والله قدیر]. خداوند قدرت دارد که این کار را انجام دهد. [والله غفور رحیم]. اگر آنها از کفرشان برگردند و مسلمان شوند دوباره مودت ما بین شما و آنها برقرار خواهد شد. اما سوره را ختم می کند به همان مطلب اول. آخرش این است: [یا ایها الذین آمنوا لا تتولوا قوماً غضب الله علیهم قد یئسوا من الآخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور].

باز تأکید می کنیم، اول سوره گفتیم آخر سوره هم می گوئیم، منظور قرآن کریم این است که تولی نباشد. تولی یعنی دوست داشتن، گرایش به آنها، یا دید محبت به آنها نگرستن و در برابر آنها شیفته و فریفته بودن. چون این نظر باعث می شود که شما زیر سلطه قرار بگیرید و آنها بر شما تسلط پیدا کنند. آنها کسانی نیستند که رحم و انصاف داشته باشند. خوی سلطه گری و استکبار در آنها وجود دارد. آنها به خاطر این که از شما استفاده کنند و شما را زیر سیطره خود قرار دهند اول فرهنگ شما را عوض می کنند. فرهنگ خیلی مهم است. بعد اقتصاد شما، تمام منابع ثروت شما را قبضه می کنند. شما عقب مانده می شوید. باید کار کنید، زحمت بکشید. آنها در علم و صنعت پیشرفت می کنند و شما باید در اقتصاد زیر سیطره آنها باشید. کم کم وقتی که به آنها خوشبین شدید می گوئید ما بلد نیستیم کار کنیم. قبلا به این صورت بود. در هر کاری که در ایران بود می گفتند که کارشناس می خواهیم. کارشناس کیست؟! باید از آمریکا و اروپا بیاوریم. حتی یک راه آهن می خواستند درست کنند، جاده را آسفالت کنند، برق بکشند، در تمام اینها باید مراجعه می کردیم به آنها و از آنها کارشناس می آوردیم. وقتی که انقلاب پیروز شد ۶۰ هزار مستشار نظامی آمریکا در ایران بود. اینها برای چه آمده بودند؟! یعنی اصلا ما نظامی گری بلد نیستیم؛ سرهنگ و سرتیپ آنها بودند و بقیه ایرانی ها زیر دست بودند؛ به طوری در بین ما خود کم بینی ایجاد

عظیماً]. امثال این آیات قرآن زیاد است و لذا آنها گاهی قرآن را چاپ می کنند و در همین اواخر هم همین کار را کردند و آیات قرآن را که بر ذمّه یهود است را از قرآن حذف می کنند و قرآن را به این صورت چاپ می کنند و به کشورهای دیگر می فرستند. در اسرائیل آیات مربوط به انتقاد یهود را که زیاد است برمی دارند و قرآن را چاپ می کنند. چون نمی توانند در برابر قرآن جبهه بگیرند. چون قرآن سند محکمی است و پرونده اینها را به این طور فاش کرده است.

تلفن کردند که وکیل یهودی های ایران در مجلس شورای اسلامی می خواهد برای ملاقات بنده بیاید. ایشان به همراه یکی از وکلای قم آمدند. با آقای بنایی بود یا آشتیانی، به من گفتند که ایشان علت آمدنشان این است که شنیدند شما آیاتی از قرآن درباره یهود گفتید، آمده که از شما گله ای بکند که چرا شما این طور گفتید؟! ایشان آمدند منزل و مطلب خودشان را بیان کردند و بنده همین آیات سوره ممتحنه را برایشان خواندم و گفتم که ما حرفمان با یهود و نصاری و صهیونیست است که خوی استکباری دارند و در برابر دین ما ایستادند و ظلم و جنایت می کنند. ولی شما که در کشور ما هستید و تابع دولت ما هستید ما با شما غرضی نداریم. [ان تبروهم و تقسطوا الیهم] قانع شد و رفت.

خلاصه این مطلب را باید توجه کنیم که قرآن نمی خواهد بگوید که در برابر کفار همیشه جبهه مخالف بگیریم. کفار با هم فرق دارند؛ آلهایی که با دین ما کار دارند، در برابر دنیایشان ما می ایستیم؛ به هر شکلی که با دین ما کار داشته باشند. مثلاً در صدر اسلام، پیغمبر که جبهه اسلام را تقویت کرد و دعوت خود را آغاز کرد روم در برابر اسلام ایستاد. قاصد پیغمبر 9 که به روم رفت آن را کشتند و جنگ موته پیش آمد. در آنجا پیغمبر 9 فهمید که آنها دارند تدارک می بینند که به اسلام حمله کنند و اسلام نوپا را از بین ببرد. از طرفی در ایران نامه پیغمبر 9 را پاره کرد و نوشت به آن شخصی که در ین تابع سلطنت ایران بود که او پیغمبر 9 اسم خود را قبل از اسم من نوشته و چند تا مأمور بفرست که او را بکشند و سرش را بیاورند. بنابراین پیغمبر 9 که دید ایران به این ترتیب و روم به این ترتیب است برای پیشگیری جهاد کردند. خلاصه منظور ما این است که باید توجه کنید که در برابر کفار همیشه مخالف باشیم، از تولی نمی می کند. ولی [لا ینهکم الله عن الذین لم ینالوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین]، [انما ینهکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فالثک هم الظالمون]. این سوره در همین مورد مطالب بسیار جالبی دارد. بعد می

کرده بودند که ما طیب نداشتیم و از پاکستان و بنگلادش و هندوستان طیب می آوردیم. طوری ما را عقب مانده نگه داشته بودند که همه نیازهایمان زیر نظر آنها بود.

امام (رضوان الله علیه) فرمودند: من که در اروپا بودم در نوفل لوشاتو وقتی جوان های ایرانی برای ملاقات من می آمدند، جوان ها می گفتند: آن درسی که در اروپا به ما می دهند غیر از درس خودشان است. همان اروپا و آمریکا به خودی هایشان یک درسی می دادند که در رتبه بالا قرار بگیرند. ولی به جوانان مسلمان که رفته بودند درسی می دادند که پایین تر باشند. این مطلب در دفتر تبیان هم است. خوی آنها این است. خوی زیاد خواهی و استکبار این طور است. برای همین است که تأکید قرآن به این است. حتی اگر کسی مریض می شد - حتی مریضی های عادی - برای معالجه باید به اروپا می رفت. کسی که می خواست دندان بکشد باید به اروپا می رفت. تبری همان برائت و بیزاری است که بعداً بحث خواهیم کرد که امام (رضوان الله علیه) عنایت داشتند که حج بی برائت حج نیست و در حج باید برائت داشته باشیم. یعنی باید در حج آشکار کنیم که شما با دین ما کار دارید، ما هم با دنیای شما کار داریم. برائت از شما می گوئیم. این باید همیشه زنده باشد. در آخر سوره می فرماید: [یا ایها الذین آمنوا لا تتولوا قوماً غضب الله علیهم] به قومی که خداوند بر آنها غضب کرده - تأکید در اول سوره و آخر سوره که - نسبت به آنها تولی نداشته باشید. حالا [غضب الله علیهم] کیست؟ در قرآن کریم در جاهای متعددی غضب نسبت به یهود است. مثلاً در سوره بقره [و ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ]. ذلت و مسکنت مانند سکه ای که بزنند بر روی فلز بر یهود زده شد. اینها همیشه ذلیلند. الان هم آمریکا اینها را نگه داشته است. در چند روز قبل در مصر که حسنی مبارک جلسه ترتیب داده بود از ۸۰ مملکت دعوت کرد غیر از حماس و فتح که زیر بغل اسرائیل را بگیرند. چون دیدند که اسرائیل در غزه دارد شکست می خورد و به اسرائیل کمک کنند به عنوان صلح بین اعراب و اسرائیل. اینها این طور است که همیشه ذلیلند و باید کسی زیر بغلشان را بگیرد، اگر نه سقوط می کنند. [ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَأُوْءُ بَغْضَبِ مَنْ اَللّٰهُ]. این آیه ۶۱ سوره بقره است. بعد آیه ۹۰ سوره بقره: [فَبَاؤُ بَغْضَبِ عَلٰی غَضَبٍ]. آیه ۱۱۲ سوره آل عمران: [ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذَّلَّةُ اِیْنَ مَا تَقَفُوا اِلَّا بِحِیْلِ مِنَ اللّٰهِ وَ حِیْلِ مِنَ النَّاسِ]. آیه ۱۵۲ سوره اعراف: [اِنَّ الذِّیْنَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سِنًا لَهُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَّبِّهِمْ]. این هم باز یهود که گوساله را به عنوان معبود اتخاذ کردند. [هَلْ اَنْتُمْکُمْ بَشَرٌ مِّنْ ذٰلِکَ مَثُوْبَةٌ عِنْدَ اللّٰهِ]. در اینجا آیات قبلش درباره یهود مطالبی دارد. یهود به ما ایراد می گرفتند

که شما ایمان آوردید [هل تنقمون منا]. بدتر از این، این است که اینها [من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القردة و الخنازیر و عبد الطاغوت]. خداوند لعنتشان کرده، بر آنها غضب کرده از آنها قرده (میمون) قرار داده. این مال جریان یوم السبت است. در قرآن است که به آنها گفته شده بود از طرف پروردگار که در روز شنبه شکار ماهی نکنند. بالاخره حیله ای درست کردند و خداوند در برابر حیله آنها برای شکار ماهی آنها را مسخ کرد. [کونوا قرده خاسئین]. به شکل میمون مسخ شدند. چه کسانی خنازیر می باشند؟ بعضی مفسرین مثل تفسیر صافی دارد که خنازیر هم از آنها بود. به دو شکل مسخ شدند؛ به شکل میمون و خنزیر. در تفسیر صافی است که خنازیر کسانی بودند که از حضرت عیسی بودند که گفتند مائده ای از آسمان نازل کن. بعد حضرت عیسی فرمودند نازل می کنیم؛ ولی اگر بخورید و کفران نعمت کنید بعداً چنین و چنان خواهد شد. مائده نازل شد و عده ای خوردند و کفران نعمت کردند و آنها را خداوند متعال مثل خنزیر مسخ کرد. [من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القردة و الخنازیر و عبد الطاغوت]. طاغوت مثل همان عجل و گوساله است که یهود پرستش کردند. این آیه ۶۰ سوره مائده، سوره پنجم قرآن کریم. ببینید چند جای قرآن خداوند غضب بر یهود را، صهیونیست ها را ذکر کرده. در آخر سوره متحنه هم داریم [لا تتولوا قوما غضب الله علیهم] در نماز هم که [غیر المغضوب علیهم] که می گوئیم روایت داریم که یکی از مصادیق کامل آن یهود است.

گفتیم که تولی غیر از ارتباط است. ارتباط اشکالی ندارد. داد و

ستد و رفت و آمد اشکالی ندارد. الان در مملکت ما سفرای زیادی از

کفار داریم. ما در آنجا سفیر داریم. تولی با معامله فرق دارد. اگر نداشته

باشیم دنیا پیش نمی رود. دنیا به هم مربوط است. ما که نمی توانیم در

یک محیط در بسته زندگی کنیم. اما شیفته آنها نباشیم. سابقاً این شعر را

می گفتند:

ایرانی از بسان اروپائیان نشد

ایران زمین، زمین اروپا نمی

شود

می گفتند ایرانی باید بسان اروپایی شود. یعنی مثل آنها حرف

بزنید، مثل آنها غذا بخورید، مثل آنها لباس بپوشید. قرآن این را نمی می

کند. غرب گرایی و گرایش به آنها و گفتیم که قرآن می گوید به الله و

رسول خدا گرایش پیدا کنید. اما در آن زمان به جای گرایش به اینها

آمریکا را کشورهای اروپایی را مثل بت می پرستیدند. اما معامله و رفت

و آمد و داد و ستد اشکالی ندارد. [لا تتولوا قوماً غضب الله علیهم قد

یسوا من الاخرة کما یس الكفار من اصحاب القبور]. آنهایی که از

آخرت مأیوس شدند یعنی کفاری که ایمان ندارند به خدا و رسول خدا 9  
با اینکه پیغمبر 9 را می شناختند ولی باز هم ایمان نیاوردند، می دانستند  
که در آخرت عذاب دارند.